

۱۵۴۹۵۵۵

غزلیات سعدی

مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی

براساس نسخه‌ی محمدعلی فروغی

www.ketab.ir

انتشارات ساحل زندگی

تهران - ۱۳۹۶

سرشناسه: سعدی، مصلح بن عبدالله، ۹۶۹۱ق
عنوان و نام پدیدآور: غزلیات سعدی / مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی؛
براساس نسخه محمدعلی فروغی
مشخصات نشر: تهران: ساحل زندگی، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۲۹۹ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۵۷-۲-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۶ق.
رده بندی کنگره: ک ۱۳۹۶ PIR۵۲۰۹
رده بندی دیویی: ۸۵۱/۳۱
شماره کتابشناسی: ۳۴۰۱۲۳۹



از: رات ساحل زندگی
تهران: خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶
تسن: ۱۳۲ - ۶۶۴۷

غزلیات سعدی

شرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی
براساس نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی

ناشر: انتشارات ساحل زندگی
تیراژ: ۵۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۵۷-۲-۷

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

مقدمه

به نام ایزد مهربان

دو سال پیش یعنی ۱۳۵۶ هجری، به سال قمری درست سال هفتصدم تصنیف گلستان شیخ سعدی بود و توجه به این امر اهل ذوق را به جنبش آورد که نسبت به شیخ اجل ارادتی بنمایند تا سعادت بیبرند و اینجانب که از دیگرانی در بحال بودم که وسائل تهیه نسخه صحیحی از «گلستان» بدست آوردم، رحمت اتفاق همان اوقات اسباب را بالنسبه فراهم دیدم و با مساعدت امیر، وزارت فرهنگ دولت شاهنشاهی، به انجام این کار دست بردم و نسخه‌ای که تهیه دادیم در آغاز آن سال بچاپ رسید و صاحب نظران پستیدندان به تعقیب این اقدام در آثار دیگر شیخ نیز ترغیب فرمودند. بنابر این در همان سال کتاب «بوستان» را نیز بر همان نمط منتشر ساختیم و اینک نوبت به تالیف و تألیف و آثار دیگر شیخ رسیده و بنا را بر این گذاشته‌ایم که این جمله را هم در دو مجلد باتمام برسانیم و برای اینکه خاطر دانشمندان از روشی که در گذشته آوردن این دو مجلد پیش گرفته‌ایم آگاه باشد به توضیحات ذیل می‌پردازیم:

۱- نخست اینکه هر یک از این دو مجلد مشتمل بر چه آثاری از شیخ بزرگوار خواهد بود و یکی از مهمترین تصرف ما در این کتاب همانست که در این باب بکار برده‌ایم، بر این پایه که قصاید و قطعات شیخ اکثر مشتمل بر موعظه و حکم است و از غزلیات و رباعیات هم مقداری همین حال را دارد و بقیه مغازله و معاشقه است، چنانکه می‌توان کلیه آثار شیخ را به این دو قسمت منقسم ساخت: یکی موعظه و حکمت، دیگر مغازله و

معاشقه، روشنی که ما در فراهم ساختن این دو مجلد پیش گرفتیم مبنی بر این دو قسم است. بنابر این آنچه از غزلیات و رباعیات و قطعات را که صورت مغازله دارد، در یک مجلد گرد آوردیم و آن همین کتابی است که فعلاً به نظر خوانندگان می‌رسد و قصاید را که اکثر مشتمل بر بند و اندرز است با غزل‌هایی که صرف حکمت و موعظه است و رباعیات و قطعاتی که این حال را دارد به مجلد دیگر که اگر توفیق انجام آن را یافتیم جلد آخر کلیات خواهد بود، محوّل می‌داریم. این تقسیم گذشته از اینکه به نظر ما تقسیمی طبعی و منطقی است، این مزیت را هم دارد که اگر کسی معتقد باشد که خواندن اشعار مغازله برای کسانی که در آغاز جوانی هستند مناسب است، می‌تواند جوانان را از مطالعه این مجلد باز دارد و مجلد دیگر را به دست دغدغه‌آطر در دست آنان بگذارد.

۲- تصرف هم در اینست که در تدوین غزل‌ها و قطعات از پیروی ترتیب معمول که آنها را به چندین مجموعه بنام «طبیّات» و «بدایع» و «خواتیم» و «غزلیات قدیم» و «معانی» و «صاحبه» قسمت کرده‌اند، صرف نظر کردیم و مجموعه غزل‌های معاشقه را در یک رشته بترتیب حروف قوافی منتظم نمودیم و از قطعات رباعیات هم آنچه بر این متوال بود دنباله آنها قرار دادیم. کسانی که معتقدند این تقسیمات از خود شیخ است، ممکن است این تصرف ما را نپسندند؛ لیکن آنچه ما را بر اختیار این روش برانگیخت این بود که یقین داشتیم که این تقسیمات از خود شیخ باشد، زیرا دلایلی که معتقدان در بیان اقامه کنند یکی این است که کس دیگر غیر از شیخ چه داعی داشته است که بر اینکه غزل‌های او را این نحو تقسیم کند. دوم اینکه کمتر مجموعه‌ای از غزلیات دیده شده - حتی آنها که بسیار قدیمند - که این تقسیم را نداشته باشند، با آنکه در بعضی قید شده که از روی خط شیخ نوشته شده است. سوم اینکه از کلمات خود شیخ می‌توان دریافت که او این تقسیم را کرده است،

چنان که در پایان یکی از غزل‌های «طبیات» می‌گوید: چند خواهی گفت
«طبیات» آخر ندارد و در پایان غزلی از بدایع می‌فرماید:

گوت بدایع سعدی نباشد اندر بار به پیش اهل معانی چه ارمغان آری
ولیکن در جواب دلیل اول می‌توان گفت قدیمترین نسخه از کلیات که
تاریخش معلوم است کمتر از بیست و چهار پنج سال از وفات شیخ فاصله
ندارد و ما می‌دانیم تدوین‌کننده کلیات چه کس بوده و به چه نظر تدوین
کرده است و از کجا که تدوین‌کننده غیر از خود شیخ نبوده و شاید
ملاحظات و ر. ا. ت. برای این تقسیم داشته است که بر ما مجهول است.
و اما اینکه در بعضی نسخ قید کرده‌اند که از روی خط شیخ نوشته‌اند اولاً
باین سخن اطمینان نمی‌توان کرد چون در بعضی دیده‌ایم که این ادعا
حقیقت ندارد. ثانیاً آن که می‌دانیم کتاب و نسخه‌کنندگان مقید نبوده‌اند
به اینکه در استنساخ کتب از نسخه اصل پیروی کنند، بر فرض که قبول
کنیم که از روی خط شیخ نوشته‌اند از کجا مطمئن شویم از خود تصرفی
نکرده‌اند، چنانکه «بوستان» را می‌بینیم در نسخه‌های بسیار قدیم باین
اسم خوانده نشده و مثل اینست که اصلاً شیخ برای آن نامی ننهاده است
چون می‌بینیم نسخه‌های قدیم آنرا «سعدی نامه» می‌نامند و یقین است که
«سعدی نامه» اسمی نیست که سعدی بر «بوستان» نهاده باشد، در این
صورت چگونه می‌توانیم یقین کنیم که مجموعه‌های «طبیات» خود را
بنامی خوانده باشد و این نام‌ها مانند نام «بوستان» جعل شده باشند؟
خاصه اینکه نسبت به «ملمعات» این فقره را می‌توان یقین نمود زیرا که در
نسخه‌های کهنه «ملمعات» را از غزل‌های دیگر جدا نکرده‌اند و معلوم
است که این کار از خوش‌خیالی‌های دیگران است. در جواب دلیل سوم
می‌گوییم از کجا می‌توان یقین کرد که مقصود شیخ در اشعار مزبور از
«طبیات» و «بدایع» مجموعه غزلیات موسوم به «طبیات» و «بدایع» بوده
است و اگر در باب لفظ «طبیات» اظهار عقیده مشکل باشد بواسطه اینکه

قرینه در دست ما نیست، در باب لفظ «بدایع» هیچ بعید نیست که معنی متعارف آن در نظر بوده است و من استیحا ش ندارم از اینکه فرض کنم وجود همین الفاظ در اشعار شیخ بعضی را محرک شده است که این اسامی را اختیار کنند.

و مانع بزرگ بر اعتقاد به اینکه اشاره شیخ در این اشعار بمجموعه «طیبات» و «بدایع» است، این است که در اینصورت باید قائل باشیم که شیخ قبل از آنکه مجموعه‌ها را گرد آورده باشد، این تقسیم را کرده و این نام‌ها را گذاشته است، به عبارت دیگر باید فرض کنیم وقتی شیخ بنابر این ندانسته است که مجموعه‌ای از غزلیات درست کند و نامش را «طیبات» بگذارد، مجموعه دیگر از غزلیات بسازد و آنرا «بدایع» بخواند، ولیکن این فرض به نظر من معقول نیست و بسیار مستبعد است که شاعر غزل‌سرا پیش از بسازد غزل‌ها نیت کند که آنها را چند مجموعه بسازد و به هر یک نامی بگذارد. خاصه اینکه از تأمل در غزل‌های شیخ تقریباً یقین حاصل می‌شود که از غزل‌ها رایی مقصودش شاعری و تصنیف کتاب نبوده بلکه هر غزل را بطبیعت بنا بر مناسبتی و پیش آمدی و حسب حالی فرموده است، هر وقت به وصل می‌رسید شادی خود را به شعر ابراز می‌نموده، و هر زمان به فراق مبتلا می‌شده به زبان شعر می‌نالیده است، و همچنین حالات دیگر، و شعر گفتن برای سعدی کار آنچنان مایه آواز خواندن کسانی است که شغلشان آوازه خوانی نیست و مقتضای حال آوازشان می‌آید، یا مرغانی که از تأثیر آب و هوا و حالات زنانشان سر و صدا می‌کنند و یک سر دلچسب بودن اشعار همین است.

البته این کیفیت مانع نیست از اینکه شیخ پس از آنکه مقدار زیادی غزل سروده آنها را جمع آوری نموده و به نامی خوانده باشد و این احتمال مخصوصاً در تسمیه به غزلیات قدیم و خواتیم به ذهن بسیار نزدیک می‌آید جز اینکه فرضاً این احتمال را قوی بدانیم مشکل دیگری

پیش می‌آید و آن این است که نسخه‌های کلیات درین قسمت متفق نیستند، بعضی یک غزل را در «طبیات» گذاشته‌اند، بعضی همان را در «بدایع» یا قسمت‌های دیگر قرار داده‌اند، چنانکه اگر هم می‌خواستیم آن تقسیمات را پیروی کنیم در بسیاری از غزل‌ها سرگردان می‌ماندیم که در چه قسمت بگذاریم.

ملاحظه دیگر اینکه غزل‌های شیخ سعدی، گذشته از قسمتی که به مضامین و مغالزه کرده‌ایم، از جهت سنخ مطلب و مناسباتی که در آنها ملحوظ شد، هیچ نوع تفاوتی با یکدیگر ندارند که موجب تقسیم بندی شود، و در تقسیم می‌شود، که شده حتی پستی و بلندی اشعار چهارگانه هم غزل‌های بسیار قدیمه می‌شود هم غزل‌هایی که نسبتاً پست‌تر است، پس این ملاحظه را هم نمی‌توانیم مآخذ تقسیم بدانیم.

حاصل اینکه این تقسیمات را نه می‌توان یقین داشت که خود شیخ کرده باشد، نه مبنی بر مناسبات است که بتوانیم موجب قبول فرض کنیم، پس جایز دانستیم که آن را کنار گذاریم. لیکن برای کسانی که بخواهند بدانند هر غزلی در نسخه‌های چاپی و در نسخ، آخر جزء چه مجموعه‌ای قرار داده شده، در صدر غزل‌های پهلوی شماره «ط» و «ب» و «خ» و «ق» و «م» گذاشته‌ایم که اولی اشاره به «طبیات» و دومی به «بدایع» و سومی به «خواتیم» و چهارمی «غزلیات قدیم» و پنجمی «ملمعات» است.

در اینجا بی‌مناسبت نیست که خاطر نشان کنیم که از توجه به این و مقایسه نسخ قدیم می‌توان قائل شد که تنظیم‌کنندگان اولی غزل‌ها که در روابط معنوی و سنخیت شعری را منظور داشته‌اند که پس از اینکه ابویکر بیستون کلیات را تنظیم کرده است، آن جهات و مناسبات از میان رفته است.

در آغاز «طبیات» در نسخ قدیم معمولاً اشعار «فضل خدای را که تواند

شمار کرد» و «اول دفتر بنام ایزد دانا» در قفای یکدیگر آمده، و پس از آن غزل‌هایی که در ستایش بزرگانست واقع شده^۱ و از آن پس غزلیات اصلی است و چنانکه در ذیل صفحه ۲۵۶ اشاره کرده‌ایم، نخستین غزل آن «برآمد باد صبح و بوی نوروز» می‌باشد. غزلیاتی هم که در پند و اخلاق و معرفتست در پایان کتاب فراهم آمده و با غزل‌های عاشقانه آمیخته نشده و در این نسخه‌ها نه تنها این نکات رعایت شده که آنچه در مدح یا در پند است یکجا باشد بلکه رعایت‌های دقیق دیگری هم شده که با نظر تأمل و تمیز باید نگریست.

مثلاً بعد از غزل «می‌روم وز سر حسرت بقفا می‌نگرم» غزل «سعدی اینت بقفا مروت و بسر باز آمد»^۲ واقع شده که در نسخه‌های دیگر از خطی (چنانچه غزل اول را در «طیبات» و دومی را در «خواتیم» و یا در «قصائد» آورده‌اند.

همچنین غزل شماره ۳۷۹ که به این بیت تمام می‌شود:

سعدی از دست فراق همه را از دست می‌دهد بشکستی و من بر سر پیمان بودم

پیش از غزل ۳۸۰ است که به این بیت آغاز می‌شود:

آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم / تا رفتی ز برم صورت بیجان بودم

و به این ترتیب مطلع و مقطع این دو غزل را که یک نوع پیوستگی دلپسندی دارند، به هم مرتبط می‌شوند. در نسخه دیگر اولی در «طیبات» و دومی در «بدایع» (در بعضی نسخ هم در «خواتیم») ضبط شده.

سه غزل: «صبحی مبارکست نظر بر جمال دوست»

۱. این غزلها را که ما در جزو منابع بشمار آورده‌ایم بدین ترتیب است: ۱. ماه فروماند از جمال محمد. ۲. بنای خدایند اقبال سرمد. ۳. فلک را اینهمه نمکین نباشد. ۴. چه دعا گویمت ای سابه میمون همای. ۵. آن روی بین که حسن ببوشیده ماه را.

۲. نگاه کنید به این غزل فصیده وار (که هفده بیت دارد) در بخش قصاید، و پانویس فروغی درباره آن. پیداست که فروغی نمی‌توانسته است، این دو غزل را به علت تفاوت قافیه، از پی یکدیگر بیاورد.

و «آن به که چون منی نرسد در وصال دوست»

و «گفتیم مگر بخواب بینم خیال دوست»

که هر سه بیک وزن و قافیت است در نسخ قدیم از پی هم است ولی در نسخه‌ای دیگر اولی را در «غزلیات قدیم» و دومی را در «خواتیم» و سومی را در «بدایع» آورده‌اند و ازین نمونه که به دست دادیم و نظائر آن هم بسیارست، بخوبی آشکار می‌شود که تقسیم غزلیات به کتاب‌های مختلف، مأخذ معتمدی ندارد و اگر هم شیخ سعدی غزلیات خود را با رعایت جهات اسبابی به صورت چهار یا پنج کتاب در آورده باشد، بعد از و کتاب، نسخه تنظیم کننده فهرست غزل‌ها، بطوری آنها را به یکدیگر آمیخته که تنصیم آن به صورت اول باسانی و بی وجود نسخه‌های تمامتر و را بهر ممتنع نیست.

۳- تفاوت دیگری که بین این مجموعه ما با مجموعه‌های دیگر دارد، این است که در مجموعه‌ای دیگر معمولاً حرف آخر قافیه یا ردیف غزل‌ها را گرفته آنها را به ترتیب حروف هجا مرتب نموده‌اند، ضمناً حرف اول از مصراع اول غزل را نیز در ترتیب رعایت کرده‌اند. ما در ترتیب غزل‌ها بحرف آخر اکتفا نکردیم و بعد از حرف آخر حرف ماقبل آخر و پس از آن حرف قبل از او را هم منظور داشتیم. به این ترتیب محل هر غزل را در مجموعه بهتر و زودتر می‌توان پیدا کرد و ما این سه غزل که حروف آنها همه مشترک باشد حرف اول مصراع اول مطلع را هم در ترتیب میزان تقدم قرار دادیم و این ترتیب این مزیت را هم دارد که غزل‌هایی که یک ردیف یا یک قافیه دارند دنبال یکدیگر واقع می‌شوند و می‌توان دانست که در کلیات به فلان ردیف و فلان قافیه چند غزل هست و بعلاوه به فهرست جداگانه هم برای غزلیات حاجت نیست و هرکس قافیه و ردیف غزلی را بداند فوراً آن را در این مجموعه پیدا می‌کند. پس دانستن مصراع اول مطلع یا یک مصراع از مصراع‌های دوم هر غزل برای

پیدا کردن آن کافی است و به فهرست و جست و جو حاجت نیست و از حسن اتفاق این روش بطرز تنظیم کتاب‌های قدیم بیشتر نزدیک است چه در آن نسخ غالباً غزل‌هایی که ردیف و قافیه آنها یکی است و یا شبیه و نزدیک به هم است از پی یکدیگر در آمده است.

۴- چنانکه در ذیل صفحه ۶۸۲ گفتیم در یک یا دو نسخه غزل‌هایی یافتیم که گمان بردیم از شیخ نیست پس آنها را جداگانه به نام «ملحقات» در آخر کتاب قرار دادیم تا در باره آنها تحقیق و توجه بیشتر بشود اینک چند می‌یابیم که غزل شماره ۲۸ و ۱۵۶ و ۲۲۰ و ۳۴۴ نیز سزاوار بود زین جمله بشمار آید. در عوض اشعار و قطعاتی که در «گلستان» آمده است، در این مجموعه لازم ندانستیم و آنچه را هم که مشتمل بر الفاظ و عبارات رکب است شایسته حذف پنداشتیم و ضمناً خوانندگان را آگاه می‌سازیم که بسیاری از غزلیات که بصورت مجالس و به نثر است در نسخه‌های معتبر بسیار قدیم دیده نمی‌شود.

۵- روش ما در تصحیح غزلیات همان روشی است که در تصحیح «بوستان» بکار برده‌ایم، یعنی چند نسخه بسیار قدیم معتبر را که در دست داشتیم پیش گذاشتیم و متن معتبر سناریا را به‌تر یافتیم اختیار نمودیم و اختلافاتی را که قابل توجه دانستیم نسخه بدل را دادیم و از آن پس متن مدون را با نسخه‌هایی که از اعتبار و صحت در رتبه دوم و سوم واقع است، مطابقه و مقابله کرده نسخه بدل‌هایی را که قابل توجه یافتیم نیز در ذیل صفحات آوردیم و در هر مورد توجه تام ما، به نسخه دبیر آقای دانش خراسانی بوده است که بعد از این معرفی خواهیم کرد.

گاه‌گاه اتفاق می‌افتد که نسخه بدلی که در ذیل صفحه آمده از متن صحیح‌تر و بهتر می‌نماید ولی ما شیوه خود را از دست ندادیم که اتفاق یا اکثریت نسخ کهنه معتبر را مناط می‌دانستیم و در دو سه مورد هم که ازین طریق تجاور روا داشته‌ایم، در ذیل صفحه بتصریح یاد کرده‌ایم.